



The feasibility and Methodology of Rebuilding the Hadith Compilation of Ḥammād ibn 'Uthmān

Atefeh Zarsazan Khorasani¹ | Marzieh Quddousi²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. Email: zarsazan@gmail.com
2. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Quranic and Hadith, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. Email: marziehghodosi@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 02
February 2025
Revised: 4 April
2025
Accepted: 13 May
2025
Available online
18 May 2025

Keywords:

Ḥammād b.
'Uthmān, Aṣl,
Kitāb,
Methodology of
Book
Reconstruction.



ABSTRACT

In bibliographic catalogues (kutub al-fahāris), extensive Hadith compilations have been referenced, the major portion of which have been lost over time. Given that one of the criteria utilized by early scholars for the validation of Traditions is the source (maṣḍar) of those narrations, the existence of these primary sources and references is crucial. Therefore, the most essential step is the methodological reconstruction of the lost works. Ḥammād ibn 'Uthmān, recognized as a jurist and Traditionist of the second generation of the Companions of Consensus (Aṣḥāb al-Ijmā'), produced a book which has served as a reference for numerous Shi'a Hadith compilations, including the Kutub al-Arba'ah (The Four Canonical Shia Hadith Collections), and having been the source for issuing legal rulings from past eras up to the present. This specific work, designated merely as "Kitāb" (Book) in the Fihrist of Shaykh al-Ṭūsī, was extant until the time of Ibn al-Ṭāwūs, who referred to it as an "Aṣl" (original source). Consequently, the reconstruction of the Kitāb is likely to be accompanied by the revival of one of the original Uṣūl. This research, employing bibliographic methodology to reconstruct Ḥammād's compilation, has determined that the term "Kitāb" for Ḥammād's Traditions in Shaykh Ṭūsī's Fihrist is a general designation that encompasses the Aṣl. Furthermore, having analyzed the accumulated evidence, the attribution of a number of distinct narrative books—such as the Kitāb al-Ṣalāh (Book of Prayer), Kitāb al-Zakāt (Book of Alms), and others—to Ḥammād is confirmed.

Cite this article: Zarsazan Khorasani, A.; Quddousi, M. (2024). The feasibility and Methodology of Rebuilding the Hadith Compilation of Ḥammād ibn 'Uthmān. *Hadith Doctrines*, 8(15), 5-36. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6764.1250>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



امکان و روش بازسازی کتاب حدیثی حماد بن عثمان

عاطفه زرسازان خراسانی^۱ | مرضیه قدوسی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران، تهران، ایران. رایانامه: zarsazan@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران، تهران، ایران. رایانامه: marziehghodosi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸ کلیدواژه‌ها: حماد بن عثمان، اصل، کتاب، روش بازسازی کتاب. 	در کتب فهرس به نگاشته‌های روایی فراوانی اشاره شده که بخش اعظم آن‌ها در طول زمان از بین رفته است. از آن جاکه یکی از ملاک‌های قدما در اعتبار روایات، مصدر روایات است، وجود مصادر و منابع اهمیت دارد. از این رو مهم‌ترین گام در این مسیر بازسازی روشمند کتب مفقودشده است. حماد بن عثمان از فقیهان و محدثان طبقه دوم اصحاب اجماع است که کتاب وی مرجع بسیاری از کتب حدیثی شیعه از جمله کتب اربعه و منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تاکنون بوده است. این اثر که در فهرست شیخ طوسی با عنوان «کتاب» آمده است تا زمان ابن طاووس وجود داشته و او از آن با عنوان «اصل» یاد کرده است. لذا محتمل است بازسازی کتاب با احیای اصلی از اصول اولیه همراه باشد. در پژوهش حاضر که به روش فهرستی به بازسازی کتاب حماد برآمده است، مشخص گردید اصطلاح کتاب برای روایات حماد در فهرست شیخ طوسی عنوان عامی است که شامل اصل هم می‌شود. به علاوه، بنابه شواهد به دست آمده تعدادی کتب حدیثی مانند کتاب صلاه، کتاب زکات و غیره نیز برای حماد تأیید می‌شود.

استناد: زرسازان خراسانی، عاطفه؛ قدوسی، مرضیه. (۱۴۰۳). امکان و روش بازسازی کتاب حدیثی حماد بن عثمان.

<https://doi.org/10.30513/hd.2025.6764.1250>. ۳۶-۵، (۱۵)۸،

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

© نویسندگان.



مقدمه

مطالعه فهرس و کتب رجالی نشان می‌دهند که اسلاف فریقین نگاشته‌های روایی فراوانی را نوشته‌اند که حجم انبوهی از آن‌ها در طول تاریخ از بین رفته‌اند. بی‌تردید، حضور کتب حدیثی در اعتباربخشی به احادیث و اعتماد به آن‌ها حائز اهمیت است، خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که ارزیابی حدیث در دوره متقدم، از آنچه در دوره متأخر جریان دارد، متفاوت است، چراکه علمای متقدم ملاک‌های دیگری برای ارزیابی حدیث داشتند، از جمله اصل و کتابی که حدیث در آن آمده است، تکرار آن حدیث در چند مصنف و یا تکرار آن در همان اصل (بهایی، ۱۴۲۹، ص ۲۶-۲۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ص ۴۸۱-۴۸۲). لذا در صورت مفقود بودن کتاب، ارزیابی حدیث ممکن نیست. ازاین‌رو با بازسازی کتب حدیثی کهن می‌توان ارزیابی بر اساس ملاک قدما را مانند اعصار گذشته تا حدودی به عرصه آزمون حدیث افزود و کتب حدیث متقدم را به مجموعه گران‌بهای موجود از تراث حدیثی و اسلامی بازگرداند تا مطالعات بعدی هر چه بیشتر، گسترده‌تر و عمیق‌تر، بر آن‌ها و پیرامونشان صورت پذیرد. از طرفی، یک کتاب نسخ گوناگونی داشته که گاه ضبط مختلفی داشته‌اند. وقتی اصل کتاب از بین رفته و روایات آن در کتب بعدی به صورت گزینشی وارد شده است، همان عبارتی که در نسخه مربوطه بوده است وارد کتاب بعدی شده و تطبیقی با متن سایر نسخ داده نشده و با توجه به مبنای حجیت تبعیدی خبر، توجهی به اختلاف ضبط‌های متن یک روایت واحد صورت نمی‌گرفته است. اما با بازسازی کتاب نخستین که به طور طبیعی باید دارای یک متن باشد، این اختلاف ضبط متن حدیث مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند منشأ اثر فقهی حدیثی باشد و امکان مطالعات بعدی در آن زمینه را نیز فراهم کند.

شایان ذکر است که بازسازی متون حدیثی مبتنی بر داده‌های فهرست‌نگاری است که طی مراحل متعددی و با ملاحظات علمی خاصی، تعلق بخش‌هایی از آثار موجود به یک اثر مفقود را اثبات می‌کند. این فرایند گرچه در گذشته در عرصه میراث شیعی، حرکتی بسیار کند داشته، اما در دوره معاصر چند تن از محققان

دغدغه‌هایی در این زمینه داشته و پژوهش‌هایی را به ثمر رسانده‌اند، مانند مقاله «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده» از رسول جعفریان (۱۳۷۹)؛ کتاب بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ روش، تحلیل، نمونه اثر محمد عمادی حائری (۱۳۸۸)؛ مقاله «مبانی و روش‌های بازسازی متون حدیثی کهن در سایه بازسازی کتاب زید بن وهب» اثر مهدی مردانی (۱۳۹۲ش)؛ مقاله «بازسازی روایات کتاب (تفسیر) علی بن ابی حمزه بطنانی» اثر مشترک علی راد، علیرضا حسینی و مرضیه جمالی (۱۳۹۲ش)؛ مقاله «بازسازی کتاب الحج معاویه بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن، با تأکید بر احادیث زیارت» اثر مشترک منصور پهلوان، حسن ارمی راد و محمد حسین سهیلی (۱۳۹۶ش)؛ کتاب منابع الکافی؛ بخش اصول بازسازی و اعتبارسنجی، از محمود ملکی (۱۴۰۳). با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر نیز بر آن است که به بازسازی اثر حدیثی حماد بن عثمان بپردازد.

«حماد بن عثمان» از اصحاب اجماع (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۷۰؛ حلی، ۱۴۱۱، ص ۵۶) و یکی از برجسته‌ترین محدثان تاریخ شیعه است که از محضر سه امام شیعه، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بهره‌مند گردید (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۳) و از دانش تعدادی از اصحاب برجسته ائمه اهل بیت (ع) مانند زرارۀ بن اعین و محمد بن مسلم نیز استفاده کرد (خویی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۱۶). عموم علمای رجال و حدیث، حماد را فردی قابل اعتماد و «ثقه» می‌دانند (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۷۰؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۳؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶). بر اساس نظر برخی از رجالیان، حماد بن عثمان کتابی داشته است که منبع نقل روایات از اوست (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶؛ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۴). بررسی‌ها نشان می‌دهد این کتاب تا زمان سید بن طاووس وجود داشته و وی از آن بهره‌مند بوده و در کتاب خویش از آن با عنوان «اصل» یاد کرده است (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ص ۲۴۲). از آن‌جا که حماد از فقیهان و محدثان طبقه دوم اصحاب اجماع است و احادیث وی منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تاکنون به شمار می‌رود، بازسازی نگاشته‌های روایی وی اهمیت زیادی دارد و تلاش در جهت بازسازی این کتاب اصل کتاب را در جرگه کتب احادیث یا احیای اصلی از اصول حدیثی سبب می‌شود.

در مورد پیشینه اخص این پژوهش می‌توان به کتاب شناخت‌نامه حدیث از محمدی ری‌شهری اشاره کرد. در این کتاب به شخصیت حماد بن عثمان، مکانت حدیثی، تعداد احادیث و معرفی آثار ایشان به صورت گذرا پرداخته شده است (نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۶۳-۶۴). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان بررسی نقش و جایگاه اصحاب اجماع در حدیث شیعه از باقرتاش، مطالبی مختصر درباره شخصیت حماد بن عثمان بیان گردیده و در اثنا مطالب در بیان جایگاه اصحاب اجماع در میان روایات شیعه نیز به گونه گذرا به نام او اشاراتی شده است (نک: باقرتاش، ۱۳۸۶، ص ۸۶). مختاری و بیرانوند در مقاله «بررسی وثاقت اصحاب اجماع» به این نتیجه دست یافته‌اند که مراد کثی از نقل اجماع، برای اثبات وثاقت راویانی است که این افراد از آن‌ها نقل روایت می‌کنند. در این مقاله به نام حماد بن عثمان اشاره شده است (نک: مختاری و بیرانوند، ۱۳۹۹، ص ۵۱-۶۸). زرسازان، معارف و قدوسی در مقاله «الگویابی اسناد کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان» به شناسایی الگوهای سندی کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان پرداخته، اما به امکان بازسازی کتاب حدیثی حماد اشاره‌ای نکرده‌اند (نک: زرسازان و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۱۲۴-۱۴۳). لذا بعد از بررسی‌های لازم، مشخص گردید موضوع پژوهش حاضر سابقه ندارد.

۱. «اصل» و «کتاب»

«کتاب» شامل هر نوشته حدیثی می‌شود، چه احادیثش از روی کتاب دیگری نوشته شده باشد یا مانند اصل، از کتاب دیگری گرفته نشده باشد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶).

در اصطلاح حدیثی علمای شیعه، «اصل» کتاب مورد اعتمادی است که خود از کتاب دیگری گرفته نشده باشد (بحر العلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۷) یا شامل مجرد کلام و بیانات معصوم (ع) باشد. تفاوت «اصل» با «کتاب» و تصنیف آن است که «کتاب» یا «مصنف» عبارت از همان مجموعه، همراه با استنباط‌ها و یادداشت‌های مؤلف یا مصنف است (مدیرشانه‌چی، ص ۷۲). آقابزرگ تهرانی «اصل» را کتاب حدیثی می‌داند که نویسنده آن، احادیث را مستقیماً یا با یک واسطه از معصوم شنیده و نوشته و از

کتاب دیگری نگرفته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۶). برخی نیز قید مشافهه را به آن افزوده و آورده‌اند: «اصل» کتابی است که به طور مشافهه از کلام معصوم (ع) فراهم آمده و بدون واسطه راوی دیگر تدوین و روایت شده است، در صورتی که کتب دیگر از همین اصول گرفته شده است (معارف، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷).

۲. مراحل بازسازی کتاب حماد بن عثمان به روش فهرستی

در پژوهش حاضر، بازسازی کتاب حماد بن عثمان، مبتنی بر روش شناخته شده فهرستی صورت می‌پذیرد. روش فهرستی روشی نوین و از ابتکارات آیت الله مددی با عنوان «تحلیل فهرستی» در ارزیابی حدیث است (مددی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۶۱؛ عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲؛ شیرازی و ملکی، ۱۴۰۰). در این دیدگاه تک تک روایات یک راوی بررسی نمی‌شود، بلکه روایات او به صورت کلی و در قالب یک مجموعه تحلیل خواهد شد (عمادی حائری، ۱۳۸۸، ص ۵۵). هدف اصلی از این تحلیل، بازسازی کتب حدیث شیعه است (شیرازی و ملکی، ۱۴۰۰، ص ۳۳). نگارندگان کوشیده‌اند مصادیق استفاده از این روش را به صورت اجمالی بر اساس اطلاعات فهرستی و برخی از داده‌های رجالی و تاریخی، توجه به سلسله اسانید منتهی به مؤلف مذکور، بخش‌هایی از اثر مورد نظر در آثار موجود واپسین، ردیابی، شناسایی و سپس بازسازی کنند.

نکته قابل ذکر آن که در بازسازی یک متن حدیثی متقدم ابتدا باید از نبود نسخه خطی کتاب اطمینان حاصل نمود، زیرا با وجود نسخه خطی، بازسازی آن امری بیهوده است. با مراجعه به فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های مختلف، هیچ نسخه خطی برای این منظور یافت نشد. نکته دیگر آن که نباید بخش‌هایی از کتاب در یک اثر واحد پسینی منعکس شده باشد، چراکه اگر تمام یا قسمتی از یک اثر در آثار و مصادر بعدی منعکس شده باشد، کنار هم نهادن این قسمت‌ها مربوط به بازایی اثر است نه بازسازی (موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۰)، که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۱. اطمینان از وجود تاریخی کتاب و صحت انتساب آن به مؤلف

بازسازی یک اثر زمانی معنا دارد که آن اثر در گذشته موجود بوده و به مؤلف آن نسبت داده شده باشد. دوراه جهت کسب اطمینان از وجود تاریخی یک کتاب

وجود دارد: اول، مراجعه به فهرس متقدم که بهترین راه است (نک: طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱-۲). چنان‌که گفته شد، شیخ طوسی در کتب خود کتابی را به حماد بن عثمان نسبت داده است، بی‌آن‌که عنوانی برای آن ذکر کند: «له کتاب» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶؛ طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۴). اما نسبت دادن یک اثر به یک مؤلف در فهرست‌های متقدم، همواره و لزوماً برای اطمینان از وجود آن اثر و صحت انتسابش به مؤلف مذکور کفایت نمی‌کند، چه ممکن است با شواهدی، نادرستی یا کاستی گزارش مربوط در فهرس متقدم آشکار گردد یا دست‌کم نسبت به صحت آن، تردیدهایی به وجود آید. برای مثال، شیخ طوسی، صالح بن رزین از اصحاب امام صادق (ع) را صاحب اصل معرفی می‌کند (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۴)، درحالی‌که نجاشی برای او کتابی قائل است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۹)، یا نعمانی در الغیبه سلیم بن قیس را صاحب اصل (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱) و آن را یکی از مهم‌ترین کتب اصول معرفی می‌کند، اما نجاشی و طوسی وی را صاحب کتاب می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۶۴۲؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸). راه دوم، تصریح به نام کتاب در خلال اسانید مصادر حدیثی بعدی است که در موارد نادر اتفاق می‌افتد و اطمینان به آن نیاز به شواهد انضمامی دارد (نک: موحدی، ۱۴۰۰، ص ۱۸). گرچه در هیچ منبع حدیثی به عنوان کتاب حماد تصریح نشده، لکن ابن طاووس (۶۶۴ق) در کتاب الفتن و الملاحم آورده است: «رأیت فی کتاب حمّاد بن عثمان ذی الناب - و هو من أصول أصحابنا - فی مدح عمر بن عبد العزیز» (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ص ۲۴۲). وی کتاب حماد بن عثمان را برخلاف شیخ طوسی اصل دانسته است. البته شاید بتوان گفت مراد ابن طاووس از به کار بردن واژه اصل درباره کتاب حماد، معنای مصطلح آن نباشد و مفهوم لغوی اش مراد است یا شاید ابتدا از واژه «کتاب» به معنای اعم آن برای حماد استفاده کرده و سپس در ادامه، آن را اصلی از اصحاب ما معرفی کرده است. اگر مقصود وی را از کاربرد این عبارت (و هو من أصول أصحابنا) معرفی کتاب حماد بدانیم، «من» در این جا از دو حال خارج نیست: الف. من بیانیه و تبیین‌کننده امر و مطلب مبهمی که قبلاً بیان شده است. لذا ابن طاووس با این عبارت درصدد است تا مشخص نماید که کتاب حماد در کتب رجال طوسی در حقیقت اصل حدیثی بوده است. ب. من جنسیه که دلالت

می‌کند آنچه از جنس مدخول «مِنْ» است، مقصود می‌باشد. بر این اساس، ابن طاووس کوشیده است جنس کتاب را روشن نماید (نک: العبد، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). در هر دو صورت، واژه «کتاب» در معنای لغوی به کار رفته است. اما اگر مقصود ابن طاووس از «مِنْ» را تبعضیه بدانیم، وی کتاب حماد را یکی از پایه‌ها و مبناهای کتب حدیثی پسین، به‌ویژه اربعه دانسته است (العبد، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). این مطلب گرچه با توجه به معنای لغوی واژه اصل است، اما به صورت قوی، بر اصل بودن اثر حدیثی حماد بن عثمان دلالت می‌کند، چراکه مبنای کتب اربعه روایات اصول حدیثی است (معارف، ۱۳۸۷، ص ۳۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱-۲۱۲)

۲-۲. وجود روایاتی از حماد در آثار پسینی

در بازسازی یک اثر لازم است تا در سلسله اسانید احادیث مندرج در آثار پسینی، نام مؤلف به کار رفته باشد. بدیهی است اگر از مؤلف مذکور هیچ روایتی باقی نمانده باشد، بازسازی اثر او ممکن نیست. بر اساس نقل خویی، شمار احادیث حماد بن عثمان در منابع حدیثی شیعه حدود ۲۰۰۰ حدیث است (خویی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۱۶) و طبق شمارش این نوشتار، نزدیک به ۱۲۰۰ روایت بدون احتساب مکررات از او در کتب حدیثی تا قرن پنجم وجود دارد.^۱ برای نمونه، به برخی از اسناد روایات وی اشاره می‌شود: «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا...» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۴۶)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۱)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۳)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۸، ۵۵۱؛ ج ۲، ص ۲۸۹)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۸۰)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۳)؛ «... حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸)؛ «... حَمَادُ

۱. شمارش روایات با مراجعه به کتب پنج قرن نخست حدیثی شیعه، با استفاده از نرم افزار مکتبه اهل البيت صورت گرفته است.

بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ...» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۹).

خلاصه اسانید روایات حماد بن عثمان با یک واسطه از معصوم (ع) نیز از این قرار است:

«حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۲۵)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۶)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَصِيرٍ» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۸)؛ «حَمَادُ بْنُ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۴)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۹۱)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۱۸)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۶)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۸۹)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۹)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ التَّابِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۶)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۳۳)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۱)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۲۹۶)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أُدَيْمِ بْنِ الْحَرِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۲۱)؛ «حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۹).

نکته حائز اهمیت در این مرحله، تنوعی است که مؤلفان در آثار خود از نام حماد بن عثمان آورده‌اند، به این معنا که در مصادر متأخر، نام او یا به طور کامل یا به طور ناقص تنها با عنوان حماد، یا افزون با کنیه و لقب به کار رفته است (نک: جدول ۱ و ۲). از آن جاکه نام وی با نام حماد بن عیسی^۱ مشترک است، باید بخشی از روایات منقول از حماد را که میان وی و حماد بن عیسی مشترک است، مدنظر قرار

۱. محدث و فقیه امامیه در قرن دوم که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت نقل کرده است. وی در طبقه دوم اصحاب اجماع قرار دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۲؛ کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۶).

داد (طریحی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳-۶۴؛ کاظمی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۸-۵۱). در نمونه‌های بالا، حماد بن عثمان حدیث را یا بدون واسطه از معصوم (ع) نقل کرده یا با یک واسطه ذکر کرده است. این موضوع در همه اسنادی که حماد بن عثمان در آن قرار دارد، مشاهده می‌شود. تنها در دو مورد با دو واسطه به نقل روایت پرداخته است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷، ۱۴۴). در تمام اسناد این روایات، حماد به عنوان صحابی امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال خویش یا سائل از امام، بدون واسطه حدیث را نقل کرده است، که سبب می‌گردد احتمال فراموشی یا تحریف آن کمتر باشد. بر این اساس، طبق نظر برخی از محققان در تعریف اصل حدیثی، می‌توان درباره اصل بودن اثر حدیثی حماد بن عثمان اندیشید.

۲-۳. توجه به طریق اثر در فهرس و مشیخه‌های متقدم

طریق اجازات کتب در فهرست‌ها در فرایند بازسازی آن بسیار سودمند است، زیرا در مصادر روایی موجود، گزارش‌های فراوانی با همان سلسله سند کتاب از مؤلف مذکور ثبت شده که محتوای آن گزارش‌ها با عنوان کتاب کاملاً هماهنگ است (نک: معارف، ۱۳۸۸، ص ۷۶). حال، محتوای روایاتی که اسناد آن‌ها با طریق مذکور یکسان است، درباره کتاب حماد بن عثمان که عنوانی برای آن در کتب فهرست ذکر نشده، می‌تواند مؤثر باشد و نام آن را روشن نماید. با مراجعه به کتب فهرست و طرق موجود در مشیخه^۱ من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام می‌توان برخی از طرق نقل کتاب وی را شناسایی کرد. در فهرست نجاشی یک طریق و در فهرست طوسی دو طریق برای کتاب حماد بن عثمان آمده است. ابن بابویه نیز در مشیخه فقیه یک طریق به روایات وی معرفی کرده است:

شماره	طریق کتاب حماد بن عثمان	منبع
۱	أخبرنا أبو الحسن أحمد بن الجندی قال: حدثنا أبو علي محمد بن همام قال: حدثنا عبد الله بن جعفر قال: حدثنا محمد بن الوليد بكتاب حماد بن عثمان.	فهرست نجاشی، ص ۱۴۳

۱. مشیخه گاه به روایات و گاه به کتب است. از این رو صرف طریق در مشیخه صدوق بر طریق به کتاب دلالت نمی‌کند.

۲	أخبرنا به عدة من أصحابنا عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين عن أبيه عن سعد بن عبدالله والحميري عن محمد بن الوليد الخزاز عن حماد بن عثمان.	فهرست طوسی، ص ۱۵۶
۳	وأخبرنا به ابن أبي جید عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد عن ابن أبي عمير و الحسن بن علي الوشاء و الحسن بن علي بن فضال عن حماد بن عثمان.	فهرست طوسی، ص ۱۵۶
۴	و ماكان فيه عن حماد بن عثمان فقد رويته عن ابي عن سعد ابن عبدالله والحميري جميعاً عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن أبي عمير عن حماد بن عثمان	مشيخه فقيه، ج ۴، ص ۴۵۳

جدول شماره ۳. طرق فهارس به کتاب حماد بن عثمان

افزون بر سلسله اسانید کتاب‌ها در فهارس، مشیخه‌های تهذیب و استبصار طوسی در اکثر موارد سند دستیابی طوسی را تا کتب مؤلفانی که از آن‌ها روایت کرده است، به طور کامل در دو مشیخه نشان می‌دهد. ازاین‌رو داده‌های اسنادی وی در این دو مشیخه، برای بازسازی اثر مفقود حماد بن عثمان بسیار مؤثر است. با این حال، هیچ طریقی از حماد در مشیخه‌های طوسی یافت نشد. لذا این سؤال مطرح می‌شود که چرا طوسی روایات فراوانی در تهذیبین از حماد بن عثمان نقل کرده، اما در مشیخه سند دستیابی را تا کتاب حماد ذکر نکرده است؟ اگر حماد کتابی نداشته، چرا طوسی در فهرست، وی را صاحب کتابی دانسته است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که محتمل است جوامعی مانند الکافی و المحاسن از منابع طوسی بوده‌اند و طوسی به همین جوامع دسترسی داشته و به همین‌ها اکتفا کرده و ازاین‌رو روایات حماد را از طریق چنین جوامعی دریافت کرده و با وجود در دست داشتن کتاب حماد برای مراجعه، به جوامع بسنده کرده است. ضمن آن‌که باید در نظر داشت در مواردی طوسی، احادیثی را از صاحب اصل و صاحب کتاب نقل کرده و اوایل اسناد را جهت اختصار حذف نموده است، لکن در مشیخه، طریق خود را به آن روایان ذکر نکرده و در نتیجه حدیث از جهت سند مرسل و ضعیف

است (نک: علی‌نژاد، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷)، ولی با مراجعه به کتب فهرست می‌توان در جریان طریق طوسی قرار گرفت و به تصحیح اسناد این دسته از روایات پرداخت و واسطه‌ها در نقل را شناسایی نمود و آن‌ها را از ارسال خارج کرد (علی‌نژاد، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۷). از جمله این موارد، احادیثی است که وی از حریز بن اسحاق سجستانی نقل می‌کند. نام این راوی در حدود ۱۱۳ مرتبه در اسناد روایات تہذیب و استبصار تکرار شده و طوسی روایات فراوانی را از وی در این دو کتاب نقل کرده است (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۸؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹۵)، لکن طریق وی به این راوی در مشیخه ذکر نشده است، در نتیجه این روایات از جهت سند، مرسل و ضعیف محسوب می‌گردند، ولی با مراجعه به فهرست شیخ، می‌بینیم طریق خود را به اصول و کتب حریز ذکر نموده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۲).

۴-۲. تکرار سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی

از آن جاکه فهارس و مشیخه بسیاری از طرق دسترسی به کتاب را نقل نکرده‌اند و همچنین ممکن است طریق انتقال یک اثر حدیثی به مدارس و بوم‌های مختلف با یکدیگر تفاوت داشته باشد و همین امر سبب می‌گردد سند دستیابی به آن کتاب نیز در آثار مدارس مختلف متفاوت باشد (نک: موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۳)، لذا باید سلسله سند منتهی به صاحب کتاب مورد نظر مطالعه گردد. در این جا این امر در کتب اربعه بررسی می‌شود.

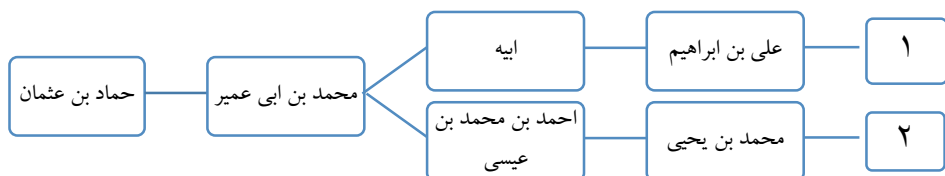
۴-۲-۱. طرق نقل کتاب حماد بن عثمان در الکافی

در کتاب الکافی قریب به ۲۵۰ روایت از حماد بن عثمان آمده است. مشایخی که از او روایت کرده‌اند، قریب به سیزده نفرند: محمد بن ابی‌عمیر، احمد بن محمد بن ابی‌نصر، ابن‌سنان، یونس بن عبدالرحمن، عبدالله بن نجران، عمر بن عبدالعزیز، حسن بن علی و شاء، ابن‌فضال، فضالة بن ایوب، محمد بن یحیی، محمد بن جمهور، ابراهیم بن هاشم، عبدالله الحجال. در جدول زیر نام چهار راوی که بیشترین نقل روایت را از او داشته‌اند، ذکر شده است:

شماره	نام راوی	تعداد	شماره	نام راوی	تعداد
۱	محمد بن ابی عمیر	۱۰۰	۴	یونس بن عبدالرحمن	۱۶
۲	حسن بن علی و شاء	۵۵	۵	دیگران	۴۴
۳	احمد بن محمد بن ابی نصر	۳۵			

جدول شماره ۴. راویان عمده حماد بن عثمان در الکافی

اسنادی که در ادامه معرفی می‌شوند، محتمل است طرق اصلی کلینی به کتاب حماد بن عثمان باشند.

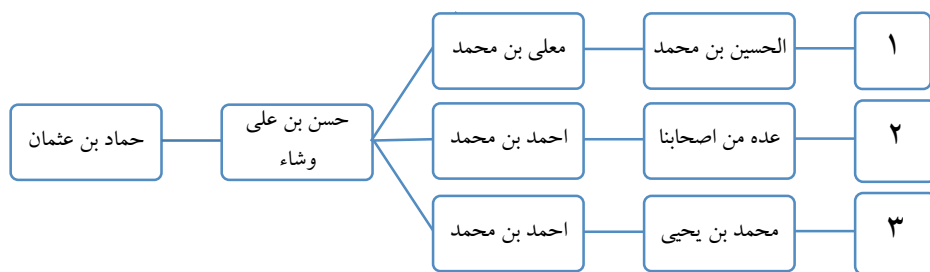


نقل ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان در کتاب کافی با دو طریق قابل مشاهده است:

طریق اول: علی بن ابراهیم < ابیه > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان. این سند در ۹۸ روایت کافی تکرار شده است (برای نمونه نک: کلینی، ج ۳، ص ۱۴۴؛ ج ۷، ص ۳۳۶). این الگو که در اسناد صدوق نیز وجود دارد (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱۱)، الگوی اصلی کلینی در الکافی است، زیرا درصد زیادی از روایات ذکر شده در این کتاب با همین سند آورده شده‌اند. به علاوه، در این جا طرق کلینی به کتاب حماد بن عثمان از بغداد به قم رسیده است. در کتب فهرست نام محمد بن ابی عمیر میان راویان کتاب‌های حماد بن عثمان آمده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶) و لذا این طریق به کتابی از حماد بن عثمان مربوط می‌شود، نه کتابی از محمد بن ابی عمیر. علاوه بر آن، در مشیخه فقیه از ابن ابی عمیر در طریق ابن بابویه به کتاب حماد اشاره شده است. بنابراین احتمالی جز این وجود ندارد که او راوی برخی احادیث حماد برای کلینی نیز بوده باشد. ضمن آن که به این مطلب باید توجه کرد که چه بسا این طریق کلینی به ابن ابی عمیر باشد و ابن ابی عمیر در کتابش از حماد نقل کرده باشد.

در واقع، منبع کلینی کتاب ابن ابی عمیر است با همین ملاکی که درباره حماد گفته شد.

طریق دوم: محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان. این سند در الکافی گاهی به صورت مجزا و گاهی با دو طریق موازی با سند بالا آمده است: علی < ابیه و محمد بن یحیی > احمد بن محمد جمیعاً < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۴۰؛ ج ۴، ص ۷۶، ص ۱۰۱؛ ج ۵، ص ۳۹۲؛ ج ۶، ص ۳۹، ص ۲۰۲؛ ج ۷، ص ۲۸۷). لازم به ذکر است که کلینی روایات را با سند «عدة من اصحابنا» احمد بن محمد < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان آورده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸؛ ج ۴، ص ۱۳۳) که به نظر می‌رسد با توجه به راویان سند، همان الگوی دوم است. موضوع احادیثی که با این دو الگو ذکر شده، متفاوت می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به این موضوعات اشاره کرد: حج (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۳۲)، امام (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۰)، دعا هنگام بلا و قضا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۹)، غسل (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۵۷)، صله رحم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۶)، نماز مستضعف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۸۷)، زکات مال یتیم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۰)، آداب روزه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۷)، نکاح (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۰۶)، خوراکی‌ها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۳۵) که نشانگر وجه امتیاز این اسناد با سایر اسناد در موضوع آن‌ها نیست. از طرفی، گرچه محتوای روایات مختلف است، اما اکثر روایات به موضوعات مختلف نماز مانند سجود و تسبیح در نماز واجب، قیام و قعود در نماز، شکیات در سه و چهار رکعت، سخن گفتن در نماز، مسجد و بنای آن، جایگاه نمازگزار، نماز جماعت، و حج مانند نماز احرام، محرمات حج، احکام دخول در مکه و تجارت مانند فضیلت تجارت، خرید و فروش، معاوضه در طعام، فروش کالا مربوط اند. لذا حماد کتبی با عناوین «صلاه»، «تجارت» و «حج» داشته و ابن ابی عمیر به آن‌ها دسترسی داشته و کلینی نیز از آن‌ها استفاده کرده است. علاوه بر آن، با دقت در اسناد روایات درمی‌یابیم که تقریباً در اکثر آن‌ها حماد بن عثمان ناقل روایتی از حلبی بوده است. بنابراین می‌توان احتمال داد کلینی با این دو طریق به کتب حلبی دسترسی داشته است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۴۰؛ ج ۴، ص ۱۲۵).



- نقل حسن بن علی و شاء از حماد با سه طریق قابل مشاهده است:

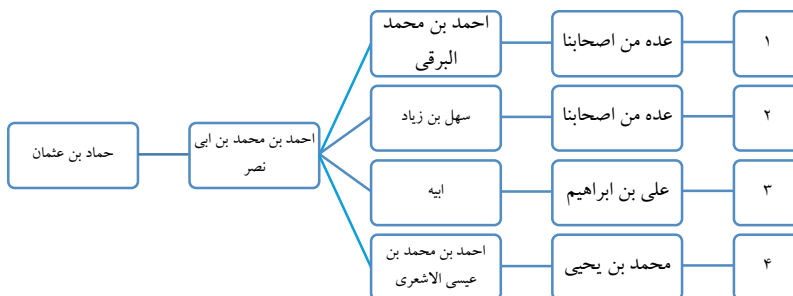
طریق اول: حسین بن محمد < معلى بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان.

طریق دوم: عدة من اصحابنا < احمد بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان.

طریق سوم: محمد بن یحیی < احمد بن محمد < حسن بن علی و شاء < حماد بن عثمان.

از ۵۸ روایتی که حسن بن علی در کتاب الکافی از حماد بن عثمان نقل می‌کند، ۵۵ روایت از طریق اول تبعیت می‌نماید. این الگو با طریق مفید در الأمالی (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۸) و طوسی در تهذیبین (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲۸؛ ج ۴ ص ۳۰۲؛ ج ۱۰، ص ۵۵؛ طیبی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴۴؛ ج ۲، ص ۱۰۸، ص ۱۳۶) و با الگوی صدوق منطبق است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۸۲). در فهرست طوسی نیز طریقی از حسن بن علی از حماد دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶). در این جا طرق کلینی یا از کوفه به بصره (به سبب بصری بودن معلى بن محمد) و سپس به قم رسیده و یا از کوفه مستقیم به قم منتقل شده است. لذا روایات حماد از طریق ابن و شاء (د. ۲۲۰ ق) قبل از ربع اول قرن سوم در بصره، کوفه و قم رواج یافته است. احادیث مربوط به این سند عموماً گزارش‌هایی از مکاتبات بین امام و شیعیان در موضوعات طلاق (به عنوان نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳۰)، نماز (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۰۱)، روزه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۹) حج (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۵۰)، وصیت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳) و امامت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۶) هستند. با توجه به فراوانی موضوعاتی درباره ائمه (ع) مانند «فرض طاعت ائمه»،

«ائمہ؛ ولی امر»، «سلاح رسول الله نزد ائمه (ع)»، «تفویض امر دین به رسول الله و ائمه (ع)» و درباره طهارت مانند «شک در وضو»، «موارد وجوب تیمم»، «همراه داشتن آب اندک در سفر»، «ابواب حیض»، «وضوی فرد حائض، جنب و ...»، «باب اختلاط بول با آب باران»، در طریق حسن بن علی و شاء به حماد بن عثمان، کتب الائمہ (ع) و طهارت برای حماد محتمل است. بنابراین، کلینی از طریق و شاء به کتاب‌های حماد بن عثمان دسترسی داشته و از آن‌ها در تألیف الکافی بهره برده است.



- نقل احمد بن محمد بن ابی نصر از حماد بن عثمان با چهار طریق دیده می‌شود:

طریق اول: عده من اصحابنا > احمد بن محمد البرقی > احمد بن محمد بن ابی نصر > حماد بن عثمان. از ۳۵ روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از حماد بن عثمان دو روایت با این الگو مشاهده شد.

طریق دوم: عده من اصحابنا > سهل بن زیاد > احمد بن محمد بن ابی نصر > حماد بن عثمان. این الگو در ۲۲ روایت دیده شد و لذا الگوی اصلی کلینی در این بخش است.

طریق سوم: علی بن ابراهیم > ابیه > احمد بن محمد بن ابی نصر > حماد بن عثمان. این الگو به چهار روایت اختصاص یافته است. طریق چهارم: محمد بن یحیی > احمد بن محمد بن عیسی اشعری > احمد بن محمد بن ابی نصر > حماد بن عثمان. الگوی چهارم نیز در ۱ روایت قرار دارد. در این الگوها اکثر طرق کلینی به کتب حماد بن عثمان، قمی‌اند. افزون بر آن، موضوع روایات تمام این طرق، شامل

طریق به کتاب حماد داشته است. به این نکته مهم باید توجه کرد که افراد واقع در این طرق، خود دارای کتاب‌اند و این احتمال وجود دارد که کلینی از همین وسائط حدیث گرفته است نه کتاب حماد. صرف یکی بودن سند حدیث با فهرست‌ها بر منبع بودن دلالت نمی‌کند. اما جدای از این مطلب، محتوای احادیث این اسناد شامل ستون اسلام (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱)، صفات علما (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳)، ولایت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۷) و طهارت آب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱) است.

با توجه به آنچه در این بخش گذشت، می‌توان تمام ساختار کتاب الکافی را برای کتاب حماد متصور شد. به عنوان مثال، فصولی برای کتاب الصلاة، الزکات، الصیام، النکاح، الطلاق، المعیشة، الحج و الحجة تصور نمود. اما با توجه به این موضوع که جامع‌نویسی در قالب دسته‌بندی منظم روایات و سپس تدوین آن‌ها از اواخر قرن دوم صورت پذیرفت و تا قبل از این زمان روایات امامان در اصول حدیثی به صورت پراکنده ثبت شده و هیئتی نامدون داشته‌اند (معارف، ۱۳۸۸، ص ۷۲) و با در نظر گرفتن این مطلب که از یک سو، پیشگامان جریان جامع‌نویسی افرادی از اصحاب مشترک امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) مانند صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن، محمد بن ابی عمیر بودند (معارف، ۱۳۸۸، ص ۷۲) و از سوی دیگر، حماد بن عثمان در اواخر قرن دوم از دنیا رفته بود، تصور کتابی جامع با فصل‌بندی منظم مانند الکافی درباره حماد احتمالی ضعیف است و بالعکس، اصل حدیثی برای وی قوت می‌یابد.

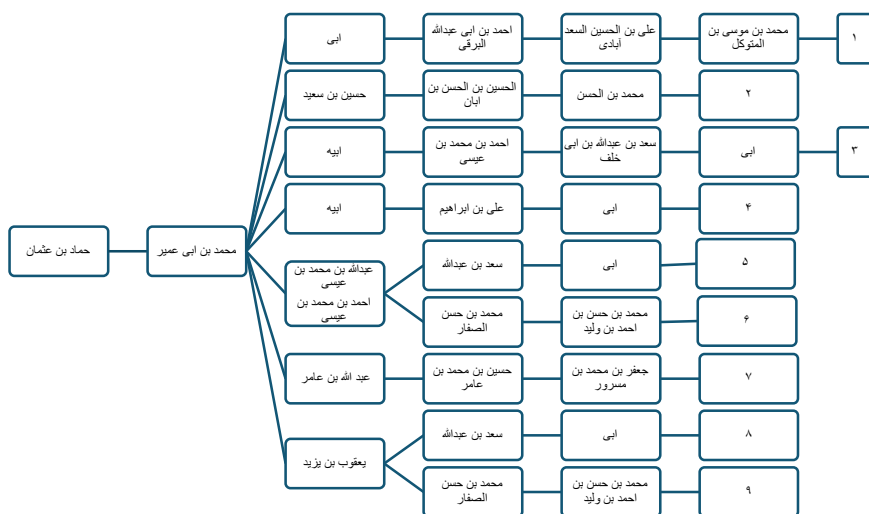
۲-۴-۲. طریق نقل کتاب حماد بن عثمان در کتب ابن بابویه

ابن بابویه در مشیخه من لایحضره الفقیه طریقی را به کتاب حماد بن عثمان آورده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۵۳). بر اساس این طریق که قبلاً ارائه شد، محمد بن ابی عمیر راوی کتاب و روایات حماد بن عثمان برای ابن بابویه است. در سایر کتب او نیز این اسناد وجود دارد که می‌تواند نشانه استفاده ابن بابویه از کتاب‌های حماد باشد.

مشایخ	سعد بن عبدالله حمیری	یعقوب بن یزید	محمد بن ابی عمیر	حماد بن عثمان	۱ روایت
-------	----------------------	---------------	------------------	---------------	---------

جدول شماره ۵. خلاصه طریق کتاب حماد بن عثمان در آثار ابن بابویه

طریق ابن ابی عمیر در مشیخه، اولاً کوفی، عراقی و سپس قمی است. در این طریق، سعد بن عبدالله یا حمیری راوی از یعقوب بن یزید و یعقوب از ابن ابی عمیر است. اما ابن ابی عمیر در نقل از حماد بن عثمان در کتب صدوق در رتبه اول قرار دارد، چراکه او حدود ۴۴ روایت را بدون واسطه از طریق حماد دریافت کرده است. روایات با ۹ الگو قابل مشاهده است. این که این الگوها چه می گویند، آیا طرق صدوق به کتاب حمادند یا مطلب دیگری را می رسانند، نکته مهمی است، زیرا همه به ابن ابی عمیر می رسند. حال، آیا کتاب ابن ابی عمیر منبع است یا او به عنوان راوی است؟ سایر راویان در طرق آیا صرفاً راوی اند یا منبع؟ در پاسخ به این پرسش ها باید گفت چه ابن ابی عمیر یا سایر رجال سند منبع روایت باشند و چه در مقام راوی، آنچه مهم است نقش حماد بن عثمان در سند است که به طور مسلم راوی بدون واسطه از معصوم (ع) است که راوی نخست روایت منقول از وی را در کتاب خود آورده و یا آن را نقل کرده است. این مطلب بر نوع منبع حدیثی حماد (اصل یا کتاب) خدشه ای وارد نمی کند. ضمن آن که هر کدام از این ۹ الگو یکی از شیوه های دستیابی صدوق را به روایات حماد بن عثمان نشان می دهد.



روایات وی قبل از سال ۲۱۷ق، علاوه بر بغداد، محل سکونت وی، توسط راویانی

در کوفه، اهواز، مکه و قم نشر یافت (نک: نمودار فوق). از آن جاکه تقریباً اکثر این راویان اهل قم بوده یا در برهه‌ای از زندگی خود در این شهر ساکن شده‌اند (نک: نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶، ۳۳۷، ۴۵۰)، می‌توان گفت که بیشتر روایات وی در قم منتشر شده است.

طرق صدوق به کتاب حماد بن عثمان در مشیخه بر اساس الگوی هشتم قرار دارد: أبی > سعد بن عبدالله > یعقوب بن یزید > ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰۳). در الگوی نهم محمد بن حسن صفار نیز با واسطه یعقوب بن یزید راوی روایات ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان است: محمد بن حسن بن احمد بن ولید > محمد بن حسن صفار > یعقوب بن یزید > ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۰). طبق گفته خویی، بیشتر روایات یعقوب از ابن ابی عمیر است و شاید شماره آن روایات به ۱۲۵ مورد برسد (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۷). هر دو سند منفرد و شاذند، لذا از اعتبار آن‌ها کاسته شده است. احادیثی که با این الگوها در کتب صدوق آمده‌اند شامل موضوعات مختلفی‌اند مانند نماز (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۵۸)، حج (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۲۳)، مکارم الاخلاق (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱) و علامات خروج قائم (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۵۱).

۲-۴-۳. طرق نقل کتاب حماد بن عثمان در کتب طوسی

همان‌طور که در قسمت فهرس آمد، در فهرست طوسی دو طریق برای کتاب‌های او آمده است:

طریق اول: عده من أصحابنا > أبی جعفر محمد بن علی بن حسین > أبیه > سعد بن عبدالله و الحمیری > محمد بن الولید الخزاز > حماد بن عثمان.
طریق دوم: ابن ابی جید > محمد بن حسن بن ولید > محمد ابن حسن الصفار > یعقوب بن یزید > ابن ابی عمیر و حسن بن علی الوشاء و حسن بن علی بن فضال > حماد بن عثمان (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶).

۱	عده من	ابی جعفر محمد بن علی بن حسین	أبیّه	سعد بن عبدالله و	محمد بن الولید	حماد بن عثمان
---	--------	---------------------------------	-------	---------------------	-------------------	------------------

کتاب تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۳، ۳۰۳) و ۱ بار در کتاب استبصار آمده است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۹). طریق حسن بن علی الوشاء و حسن بن علی بن فضال به حماد بن عثمان نیز در کتب تهذیبین مشاهده نشد.

۲-۵. همخوانی محتوای روایات با عنوان کتاب مؤلف

این مرحله از بازسازی اثر مفقودی در مواقعی ضرورت دارد که آن اثر عنوانی مشخص و غیرمبهم داشته باشد. بدیهی است در باب بازسازی آثاری با عناوین مبهمی چون اصل یا کتاب، چنین مرحله‌ای ضرورت ندارد، مگر آن‌که با مجموعه‌ای از شواهد احرار شود که آن اصل یا کتاب در زمینه یا رشته خاصی تألیف یافته است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵؛ عمادی حائری، ۱۳۹۴، ص ۵۲؛ موحدی، ۱۴۰۰، ص ۲۶). ازاین‌رو بر اساس شواهدی که در خلال بازسازی کتاب حماد مشاهده گردید، چند احتمال وجود دارد: اولاً حماد به جای یک کتاب، چندین کتاب با عناوین مختلف داشته است، مانند کتاب الصلاه یا حج. ثانیاً محتمل است وی در کنار کتاب حدیثی دارای اصل نیز بوده باشد.

۳. بازسازی کتاب حماد بن عثمان

جمع‌آوری و دسته‌بندی احادیثی که در کتب موجود امامیه از کتاب حماد بن عثمان باقی مانده است، می‌تواند ساختار تقریبی این کتاب را نشان دهد. از آن‌جا که این کتاب نوشته یکی از اصحاب فقیه و نزدیک و معتمد امامان بوده، منبع بسیار مهمی برای شناخت احادیث معتبر، به‌ویژه احادیث فقهی است. لذا در این قسمت لازم است دسته‌بندی شوند تا فصول کتاب مفقود حماد بازسازی گردد. چنان‌که گفته شد، بر اساس نقل خویی، شمار احادیث حماد بن عثمان در منابع حدیثی شیعه حدود ۲۰۰۰ روایت است (خویی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۱۶) و طبق شمارش این نوشتار، نزدیک به ۱۲۰۰ روایت بدون احتساب مکررات از او در کتب حدیثی تا قرن پنجم وجود دارد. در تحقیق حاضر تمام روایات حماد در کتب حدیثی امامیه بررسی شده‌اند و فقط موضوعاتی که فراوانی بیشتری در روایات وی دارند، دسته‌بندی می‌شوند.

۳-۱. نماز

با بررسی کتب حدیثی شیعه به دست می‌آید که قریب به ۱۸۷ روایت از روایات حماد بن عثمان درباره نماز است که ۴ مورد آن تفسیری است.^۱ از این تعداد بدون حذف مکررات، ۳۱ روایت را کلینی در الکافی (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۰)، ۱۰۰ روایت را طوسی در تهذیب الاحکام (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵، ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۳۵؛ ج ۳، ص ۱۵، ۳۰، ۳۲۳)، ۴۲ روایت را طوسی در الاستبصار (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۴، ۴۷۹) و ۱۰ روایت را صدوق در من لایحضره الفقیه آورده‌اند (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۸، ۳۴۱، ۳۶۰، ۳۶۴، ۵۶۳). ۴ روایت نیز در دیگر کتاب‌های روایی شیعه وجود داشت (برای نمونه نک: برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۷۸، ۱۵۸؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۱، ۳۵۶). موضوعات فرعی روایات نماز (صلاه) از این قرار است: نماز جماعت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۷۳)، نماز جمعه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲۷)، نماز عید فطر (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۵۹)، نماز هنگام کسوف (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۵۱)، نماز مسافر (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۶۵)، مسائل مربوط به اقتدا و امام جماعت (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲، ۵۲) و بسیاری موضوعات دیگر.

۳-۲. حج

روایات درباره حج به ۸۷ مورد می‌رسد که الکافی ۳۵ روایت (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ج ۴، ص ۲۰۹)، التهذیب ۲۱ روایت (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۸، ۴۵، ص ۷۹، ص ۸۰، ص ۹۳، ص ۱۳۲، ص ۴۷۷)، الاستبصار ۷ روایت (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۰، ص ۱۶۷، ص ۲۴۱)، من لایحضره الفقیه ۹ روایت (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۱، ص ۲۶۹) را به خود اختصاص داده‌اند. در دیگر کتب روایی، تنها ۱۵ حدیث در کتاب‌های صدوق یافت شد (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۶، ص ۳۹۸، ص ۴۰۸، ص ۴۱۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۲۹۴). از این تعداد ۹ روایت تفسیری است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۳؛ ج ۴، ص ۳۳۷؛ ص ۵۰۹؛ ج ۸، ص ۲۱۸؛ ابن بابویه،

۱. روایاتی که حاوی آگاهی‌های متناسب و مؤثر در تبیین مدالیل، مفاهیم و مقاصد قرآنی بوده، مفاهیم آیات را در تحلیل حوادث و مسائل به کار برده باشد یا اطلاعاتی سودمند در شناخت قرآن ارائه نماید (نقیسی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱).

۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۹۶، ص ۴۱۱). روایاتی که به «باب الحج» از روایات حماد بن عثمان مربوط می‌شوند مسائل مختلفی را دربرمی‌گیرند، از جمله حج ابراهیم و اسماعیل و بنای خانه خداوند به وسیله آن‌ها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۹)، درختان حرم و مسائل مربوط به آن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۳۱)، آداب محرم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۶۶)، سعی بدون وضو (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۴۱)، وقوف نکردن در مشعرالحرام (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۶)؛ فرائض حج مانند طواف نساء (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸۶)، معرفی محرماتی که محرم باید از آن اجتناب کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۹) جایز نبودن استفاده از عنبر و مشک در حال احرام (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۵۱)، اجتناب از فسق و جدال در حج (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۳۸).

۳-۳. امامت و ائمه (ع)

روایات حماد بن عثمان درباره موضوع ائمه (ع) و امامت، ۶۸ روایت است. از این مقدار ۱۱ مورد روایت تفسیری است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱؛ ص ۶۲؛ ص ۲۰۶، ص ۴۲۹؛ ص ۴۲۹، ج ۲، ص ۴۰۸؛ ج ۳، ص ۴۰۱؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۲۰۵). از کتب اربعه، تنها کتاب الکافی حاوی ۲۰ مورد از این روایات است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ص ۲۰۶، ص ۲۳۴، ج ۲، ص ۲۱). البته صدوق ۱۰ مورد را در کتبی غیر از من لایحضره الفقیه (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۹۹، ص ۲۰۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰۰؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۸۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۲، ص ۲۳۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۱۰۶، ص ۳۹۳) و طوسی ۱ مورد را در تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۴) ضبط کردند. به علاوه، در محاسن برقی ۲ مورد (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۲، ص ۱۵۴)؛ در بصائر الدرجات ۲۲ مورد (برای نمونه نک: صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ص ۱۴۵، ص ۱۵۳، ص ۱۵۷)، در الاختصاص مفید ۴ مورد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۷۰، ص ۲۸۶، ص ۳۲۳، ص ۳۲۷)؛ الغیبه نعمانی ۳ مورد (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶، ص ۲۷۸، ص ۳۱۶)، الامامة و التبصرة صدوق اول ۲ مورد (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ص ۱۳۳ و ص ۱۳۸)، ۲ مورد در معانی الاخبار (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۰۶، ص ۳۹۳)، ۲ مورد دلائل الامامیه طبری (طبری، ۱۴۱۳، ص ۲۸۹ و ص ۴۳۶) مشاهده شد. بر این اساس، کتاب الکافی در میان کتب اربعه مهم‌ترین منبع بازیابی روایات حماد بن عثمان

درباره ولایت و فضائل امامان شیعه است. روایاتی که مربوط به این باب است، شامل مسائل مختلفی در این باره می شود: مورد حسد واقع شدن ائمه (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۶)، مصحف حضرت فاطمه (س) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۰)، ولایت امیرالمؤمنین (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۳۷؛ ج ۲، ص ۲۱)، ائمه (ع) بودن فرزندان حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) تا روز قیامت (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۲۲)، خالی نبودن زمین از حجت الهی (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۳۳)، عفت و پاکدامنی حضرت فاطمه (س) (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۰۶).

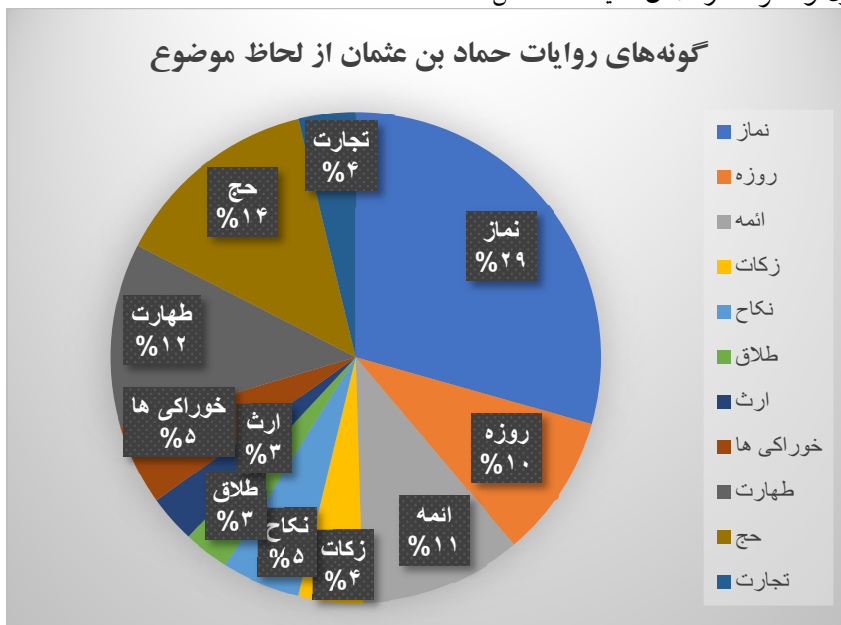
۴-۳. طهارت

حماد بن عثمان ۷۷ روایت را با موضوع طهارت نقل کرده است که ۱ مورد آن تفسیری است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۸۱). از ۷۷ روایت، ۱۷ روایت در الکافی (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱، ص ۱۱، ص ۱۴، ص ۱۷۸؛ ج ۶، ص ۴۹۴)، ۳۶ روایت در تهذیب الاحکام (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶، ص ۴۹، ص ۷۵؛ ج ۵، ص ۹۳) و ۲۲ روایت در الاستبصار (برای نمونه نک: طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۳، ص ۵۵، ص ۵۷، ص ۶۴؛ ج ۳، ص ۳۳۷) آمده است. هیچ روایتی در این باره در من لایحضره الفقیه نیامده و تنها ۱ مورد در محاسن برقی (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹۰) و ۱ مورد در الخلاف طوسی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۴) آمده است. مسائلی که در این باب مطرح شده است، عبارت اند از مضمضه و استنشاق در وضو (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳)، موارد وجوب غسل بر زن و مرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۷)؛ ابواب حیض (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۷۵)، موارد وجوب تیمم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۵)، آداب احداث مجبه برای طهارات (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶)؛ شرح وضو و وجوب و سنت آن (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۵)، طهارت لباس و غیر آن از نجاسات (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵۱)؛ وجوب پاک شدن از نجاسات (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۵) و مسح کردن سر پوشیده از حنا (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷۵).

۵-۳. روزه

در مجموع ۶۰ روایت از حماد بدون حذف مکررات به «باب الصوم» اشاره دارد. ۱۴ روایت الکافی (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۶؛ ص ۷۷، ص ۸۷، ص ۸۸)، ۲۲ روایت تهذیب (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۵۴؛ ص ۱۶۰، ص ۱۶۱، ص ۱۶۴)، ۱۰

اول و آخر ماه رمضان (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۹۶).



از آنچه آمد می‌توان گفت از میان ابواب مختلف روایات حماد بن عثمان، چهار موضوع فقهی «باب الصلاه»، «حج»، «طهارت» و باب «روزه» به ترتیب آمار بیشتری نسبت به دیگر موضوعات داشتند و به تعبیری، بیش از دیگر موضوعات مورد توجه حماد بن عثمان قرار گرفته‌اند. علاوه بر عناوینی که ذکر شد، برای روایات حماد بن عثمان موضوعات فراوان دیگری نیز مشاهده گردید: ارث (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۸۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۷۰)، نکاح (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۱۴)، طلاق (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۸)، خوراکی‌ها (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۸۹)، زکات (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۰)، قضا و قدر (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۸۹)، اطفال و عدل خداوند درباره آن‌ها (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۹۵)، قرآن (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۲۲۶)، توحید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۷، ص ۶۶۱، ج ۱، ص ۱۰۹)، نبوت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۳)، معاد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۶۰۳)، ربا (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص ۳۳۳)، صید (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۶، ص ۱۲، ص ۴۳)، سفر و آداب آن (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۷۱)، آداب نشستن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۱، ص ۶۶۲)، کفر و ایمان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۴)، حدود و تعزیرات (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱۴، ص ۱۹۲)، مکارم اخلاق (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱)، فضائل زیارات (مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۲، ۱۶۹) و علم و برتری علما (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲، ۳۶ ص).

بر این اساس، گرچه با توجه به فقیه بودن حماد از یک سو و حجم بالای روایات او در موضوعات فقهی از سوی دیگر، احتمال اصل فقهی بودن مکتوباتش ممکن است، اما این موضوع را نباید از خاطر دور داشت که قسمت عمده‌ای از روایات او نیز درباره مسائل اعتقادی، اخلاقی و خوراکی‌ها و ... است. افزون بر آن، ابن طاووس که از کتاب حماد با عنوان اصل یاد کرده، در کتابی این مطلب را مطرح نموده است که درباره منابع حدیثی با موضوع اوضاع آخرالزمان بوده نه مسائل فقهی و بالطبع مقصود وی از اصل، اصل فقهی نبوده است، اما از آن جاکه حجم روایات حماد در برخی از بخش‌ها مانند فضل علم، توحید، ایمان و کفر بسیار ناچیز و در بخش‌هایی مانند نماز، حج، طهارت، روزه و ائمه (ع) بیشتر است و با توجه به شواهد و قراینی که در قسمت‌های قبلی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که حماد بن عثمان ضمن

داشتن اصل حدیثی مانند اساتیدش،^۱ ممکن است دارای کتب و دست‌نوشته‌هایی جداگانه با عناوین الصلوه، الزکاه، الصیام، الطهارت، الامامه و... نیز بوده باشد. شایان ذکر است که گرچه نوشتارهای عصر نخست یعنی همان قرن دوم به‌ویژه نیمه اول و حدود سال ۱۵۰، در موارد بسیاری دسته‌بندی خاصی نداشته است (معارف، ۱۳۸۷، ص ۷۲)، اما این موضوع به معنای نداشتن کتب متعدد و البته با هیئتی نامرتب از جانب یک صحابه در آن زمان نبوده است (این موضوع درباره همه صحابه صدق نمی‌کند). به عنوان مثال، حماد بن عیسی از هم‌عصران حماد بن عثمان چندین کتاب با عناوین الصلوه، الزکاة و... داشته است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۲؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۶)، لذا این احتمال درباره آثار حماد بن عثمان نیز می‌تواند صحیح باشد.

نتیجه‌گیری

۱. طوسی در فهرست خود کتابی را به حماد بن عثمان نسبت داده است، بدون آن‌که نامی برای آن ذکر کند. از آن‌جا که این کتاب نوشته یکی از اصحاب فقیه و نزدیک و معتمد امامان بوده، منبع بسیار مهمی برای شناخت احادیث معتبر در زمینه احادیث به‌ویژه احادیث فقهی است که بنابر نقل ابن طاووس تا آن زمان موجود بوده و بعد از آن مفقود شده است.

۲. بازسازی این اثر با شیوه تاریخی - اسنادی و بر اساس روش فهرستی انجام گرفت و با توجه به شواهد و قرائین مشخص شد که حماد بن عثمان علاوه بر داشتن کتبی چند، دارای اصل حدیثی نیز بوده است، زیرا ابن طاووس در کتاب خود از اثر حدیثی حماد با عنوان اصل یاد کرده است. همچنین منابع حدیثی کتاب الفتن و الملاحم ابن طاووس که در آن به اصل بودن کتاب حماد اشاره دارد، درباره موضوعات آخرالزمان است نه موضوعات فقهی. از سوی دیگر، در تعریف اصل به نقل روایت بدون واسطه از معصوم (ع) یا با یک واسطه از معصوم اشاره شده است که این موضوع برای روایات حماد بن عثمان صدق می‌کند و بالاخره منبع اصلی

۱. مانند عبیدالله حلبی، استاد حماد که کتاب المسائل در این باره دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹).

روایات حماد، کتب اربعه است و از آن جا که اصل ها پایه کتب حدیثی شیعه از قرن سوم به بعد هستند و بیشتر احادیث کتب اربعه از آن ها گرفته شده اند، می توان گفت حماد افزون بر کتاب، اصل نیز داشته است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). الإمامة و التبصرة من الحيرة. قم: مدرسة الإمام المهدي (عج).
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج).
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحيد. قم: جامعه مدرسين.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسين.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: جامعه مدرسين.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال. قم: جامعه مدرسين.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: کتابچی.
۱۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۸۰ق). معالم العلماء. نجف: المطبعة الحیدریه.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی. (بی تا). الملاحم و الفتن، یا فتنه و آشوبهای آخر الزمان. تهران: اسلامیه.
۱۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶ش). کامل الزیارات. نجف اشرف: دار المرتضویه.
۱۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). الذریعة الی تصانیف الشیعه. بیروت: دار الأضواء.
۱۶. باقرتاش، سلیمه. (۱۳۸۶ش). «بررسی نقش و جایگاه اصحاب اجماع در حدیث شیعه». پایان نامه کارشناسی ارشد، مجید معارف، قم: دانشکده اصول الدین.
۱۷. بحر العلوم، محمد مهدی. (۱۳۶۳ش). رجال معروف به الفوائد الرجالیه. تهران: مکتبه الصادق.
۱۸. پهلوان، منصور؛ طارمی راد، حسن؛ و سهیلی، محمد حسین. (۱۳۹۶ش). بازسازی کتاب الحج معاویه بن عمار و ارزبایی طرق روایت آن با تأکید بر احادیث زیارت. پژوهش های قرآن و حدیث، ۵۰(۱)، ۳۳-۵۹. <https://doi.org/10.22059/jqst.2017.211536.668689>
۱۹. جعفریان، رسول. (۱۳۷۹ش). موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده. آینه پژوهش، ۱۱(۶۳)، ۷-۲.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). رجال العلامة الحلی. نجف اشرف: دار الذخائر.

۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). معجم رجال الحديث. بیروت: بی نا.
۲۳. راد، علی؛ حسینی، علیرضا و جمالی، مرضیه. (۱۳۹۲ش). بازبینی روایات التفسیر علی بن حمزه بطائنی. حدیث اندیشه، ۸(۱۶)، ۱۸۷-۲۱۶.
۲۴. زرسازان، عاطفه؛ معارف، مجید، و قدوسی، مرضیه. (۱۴۰۳ش). الگویابی اسناد کلینی به روایات تفسیری حماد بن عثمان. مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۳۰(۷۹)، ۱۲۴-۱۴۳.
<https://sanad.iau.ir/Journal/qhs/Issue/53231>
۲۵. بهایی، محمد بن حسین. (۱۴۲۹ق). مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، (تحقیق مهدی الرجائی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۶. شیرازی، سید رضا و ملکی، محمود. (۱۴۰۰ش). ارزیابی حدیث به روش «تحلیل فهرستی»؛ دیدگاه‌ها و مبانی. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۵(۲)، ۲۵-۵۶.
<https://doi.org/10.30497/qhs.2021.241215.3340>
۲۷. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۸. طباطبایی، کاظم. (۱۳۷۷ش). مسندنویسی در تاریخ حدیث. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: بعث.
۳۰. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۴ش). جامع المقال فیما يتعلق بأحوال الحديث و الرجال، (چاپ محمدکاظم طریحی). تهران: بی نا.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دار المعارف الإسلامية.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف فی الأحکام. قم: جامعه مدرسین.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). رجال الطوسی. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المکتبه المرتضویه.
۳۹. العبد، محمد. (۱۳۹۱ش). پژوهشی در ساختار معناشناسی قرآن، (مترجم: رقیه رستم پور ملکی). تهران: امیرکبیر.

۴۰. عمادی حائری، محمد. (۱۳۸۸ش). بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، نمونه، تحلیل. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴۱. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
۴۲. کاظمی، محمد امین بن محمد علی. (۱۴۰۵ق). هدایة المحدثین إلى طريقة المحدثین، (چاپ مهدی رجایی). قم: بی‌نا.
۴۳. کشی، محمد بن عمر. (۱۳۶۳ش). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. قم: دارالکتب الإسلامية.
۴۵. مامقانی، عبدالله. (۱۳۶۹ش). تلخیص مقباس الهدایة. تهران: صدوق.
۴۶. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۷ش). شناخت نامه حدیث. قم: دارالحدیث.
۴۷. مختاری، عبدالله و امیر بارانی بیرانوند. (۱۳۹۹ش). بررسی وثاقت اصحاب اجماع. رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، ۴(۳)، ۵۱-۶۸.
۴۸. مددی، سید احمد. (۱۳۹۳ش). نگاهی به دریا. قم: کتابشناسی شیعه.
۴۹. مدرسی طباطبایی، سید حسن. (۱۳۸۶ش). میراث مکتوب شیعه از قرن نخستین هجری، (ترجمه سید علی قرایی). قم: مورخ.
۵۰. مدیرشانه چی، کاظم. (۱۳۸۲ش). تاریخ حدیث. تهران: سمت.
۵۱. مردانی، محمد. (۱۳۹۳ش). مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۱(۱)، ۱۴۷-۱۷۵.
- <https://doi.org/10.22051/tqh.2014.922>
۵۲. معارف، مجید. (۱۳۸۷ش). مباحثی در تاریخ حدیث. تهران: نبأ.
۵۳. معارف، مجید و رضا قربانی زرین. (۱۳۸۸ش). مشایخ اجازه در اسناد کافی، علوم حدیث، (۵۱)، ۸۳-۶۸.
۵۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمي الالفیة الشيخ المفید.
۵۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). جوابات أهل الموصول فی العدد و الرؤیه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره).
۵۶. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المزار. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید(ره).
۵۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعه. قم: کنگره شیخ مفید(ره).
۵۸. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الأمالی. قم: کنگره شیخ مفید(ره).
۵۹. موحدی، محمد علی. (۱۴۰۰ش). «بازسازی تکیه‌های مهدوی عصر حضور در جهت تحلیل محتوای آموزه غیبت». رساله دکتری، محمد کاظم رحمان ستایش، کلام، دانشکده الهیات، دانشگاه قم.

۶۰. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (ابن ابی زینب). (۱۳۹۷ق). الغیبة للنعمانی. تهران: نشر صدوق.
۶۲. نوری، حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسة آل البيت (ع).